

مناسبت های ماه صفر

۱. اول صفر

۱-۱. اول صفر ۶۱ق، ورود اسیران آل محمد(ص) به شام

عبداللہ بن زیاد وقتی کہ خواست اسیران را از کوفہ روانہ شام^۱ نماید. فرمان داد سرهای شهدا را بالای نیزه قرار دادہ، اسیران را سوار شتران بی جہاز نمودہ و امام زین العابدین(ع) را در غل و زنجیر کردہ و دست ہایش را بر گردنش بستند و بدین صورت آنان را با جنایت کارانی مانند: شمر و خولی ہمراہ کرد.

اسیران منازل زیادی بین عراق و شام - کہ معروف بہ چہل منزل شدہ - طی کردند تا روز اول صفر سال ۶۱ق وارد دمشق شدند. پیش از ورود ام کلثوم از شمر خواست آنان را از دروازہ ای کہ تماشاگر کمتری وجود دارد، حرکت دہند ولی آن ملعون برخلاف پیشنهاد ام کلثوم آن ہا را از شلوغ ترین ورودی دمشق عبور داد.

وضعیت دمشق طوری بود کہ این روز را عید اعلان کردہ و بہ جشن و پایکوبی پرداختہ بہ گونه ای کہ گروہی با دف برخی با طبل و بعضی نیز رقص کنان از اسیران استقبال کردند. سپس آن ہا را روانہ زندان نمودند.

حارث بن کعب از فاطمہ دختر امام حسین(ع) دربارہ اوضاع اسرا در زندان می گوید: «زندان چنان بود کہ آنان را از گرما و سرما نگاہ نمی داشت تا آن جا کہ صورت های آنان پوست انداخت.»^۲

بعد از مدتی آن بزرگ واران را وارد مجلس یزید کردند و در این مجلس بود کہ حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) و دیگر افراد خانوادہ امام حسین(ع) با یزید بہ مناظرہ و مشاجرہ پرداختہ و فسادہای یزید را برملا کردند. آنان عقیدہ جبرگرایی یزیدیان را بہ شدت زیر سؤال بردہ^۳ و در ایام اسارت و مجالس گوناگون آثار چہل سال تبلیغات مسموم کنندہ کوفیان و شامیان را از بین بردند و چہرہ ناپاک حکومت اموی را بہ خوبی معرفی و افکار خفتہ مردم شام را بیدار نمودند.^۴ از این رو یزید کہ احساس خطر کردہ بود، ناچار شد اسرا را با احترام و عزت بہ مدینہ منورہ بفرستد.

۱-۲. اول صفر ۳۷ق، آغاز جنگ صفین

حضرت علی(ع) در ابتدای خلافت خویش، عاملان خلیفہ مقتول بہ ویژہ معاویہ را خلع و برکنار کرد، سپس نامہ ای برای فراخوانی بیعت از معاویہ بہ شام فرستاد. معاویہ تن بہ فرمان امام نداد و طی نامہ ای بہ عمروعاص کہ در فلسطین بود. از او درخواست کرد کہ برای مشورت نزد او برود. بعد از آمدن عمروعاص، معاویہ با مشورت او بیعت با امام را رد کرد و مردم را بہ جنگ با آن حضرت برای خون خواهی عثمان ترغیب نمایند، ہم چنین معاویہ مردم را بہ مسجد فراخواند و آنان را تشویق بہ قیام بر ضد امام علی(ع) کرد. شامیان متأثر از شایعات، با معاویہ بیعت کردند و خود را آمادہ جنگ با امام کردند^۵ و از شام خارج شدند.

۱. در آن زمان بہ سرزمین های سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و اطراف آن شام یا شامات می گفتند.

۲. محمد صحتی سردودی، مقتل الحسین بہ روایت شیخ صدوق، ص ۲۰۸.

۳. مرتضی مطہری، حماسہ حسینی، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴. مہدی پیشوایی، سیرہ پیشوایان، ص ۱۸۶.

۵. کریم زمانی جعفری، واقعہ صفین در تاریخ (ترجمہ واقعہ صفین)، ص ۳۸-۵۷.

پیروان معاویه به دلیل این که از حق عدول کرده و منحرف شده بودند، به قاسطین معروف شدند.^۱

امام نیز با سپاهی از کوفه خارج شد و در ۲۲ محرم سال ۳۷ در سرزمین صفین با سپاه شام رو به رو شد.^۲ روز چهارشنبه اول صفر سال ۳۷ جنگ سختی به وقوع پیوست. به طوری که زیاد بن نصر حارثی می گوید: سه روز و سه شب جنگ به طول انجامید. نیزه ها شکست و تمام شد و سلاحی باقی نماند ناچار به رخسار هم خاک می پاشیدیم و با دندان ها تن یکدیگر را گاز گرفته و مجروح می کردیم.^۳

جنگ می رفت که با پیروزی سپاه اسلام همراه گردد. معاویه دستور داد قرآن ها را بر نیزه گذاشتند و بدین وسیله بین سربازان امام اختلاف شد. امام ضمن نکوهش فریب خوردگان^۴ ناچار شد تن به حکمیت دهد. پس از این ماجرا تعدادی از یاران امام او را به خاطر قبول حکمیت سرزنش نموده و بر ضد آن حضرت خروج کرده و زمینه را برای جنگ نهروان آماده کردند.

۲. دوم صفر ۱۲۱ ق، شهادت زید بن علی بن الحسین (ع)

زید بن علی برادر امام محمد باقر (ع) است. او مردی زاهد، شجاع و دانشمند بود و او پس از برادرش امام باقر (ع) از همه فرزندان امام سجاد (ع) افضل است، امام رضا (ع) او را عالم آل محمد (ص) لقب داد و امام صادق (ع) نیز او را شهید خواند، او در سال ۱۲۰ ق در حکومت هشام بن عبدالملک مروان به امر معروف و نهی از منکر پرداخت و به خون خواهی امام حسین (ع) قیام کرد.^۵ هشام که از قیام او به وحشت افتاده بود به یوسف بن عمرو، امیر کوفه دستور داد با سپاهی به زید حمله و آتش قیام را خاموش نماید. بدین وسیله بین طرفین جنگ سختی به وقوع پیوست، در حین نبرد تیری بر پیشانی او خورد و به شهادت رسید. یاران او جسدش را در بستر نهی به خاک سپرده و آب روی آن جاری کردند تا مأموران هشام آن را پیدا نکنند، ولی این جریان به وسیله جاسوسی به امیر کوفه اطلاع داده شد. یوسف بن عمر جسد او را بیرون آورد سر او را از تن جدا کرد و بدنش را تا چهار سال به دار آویخت، آن گاه پایین آورده و آتش زدند.^۶ سرش را نیز به شام برای هشام بن عبدالملک فرستاد و هشام آن را بر سر در کاخ خویش آویخت.^۷

۳- سوم صفر ۵۷ ق، ولادت امام باقر (ع)

امام محمد باقر (ع) در سوم سال ۵۷ ق متولد شد. مادر آن حضرت فاطمه دختر امام حسن مجتبی (ع) است. لقب ایشان به سبب دانش بیکران باقر یا باقرالعلوم بوده است. به او از این جهت باقر می گویند که علم را می شکافت و اصل آن را می شناخت و فرعش را استنباط می کرد و در علم تبحر داشت.^۸

۴- پنجم صفر ۶۱ ق، شهادت حضرت رقیه (س)

۱. سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۱۴۰.
۲. همان، ج ۶، ص ۷۰۳.
۳. واقعه صفین در تاریخ، ترجمه واقعه صفین، ص ۱۹۴؛ فیض الاعلام، ص ۳۲۴.
۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۷۱، ص ۱۲۱.
۵. مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۶، ص ۱۲۴، چ سوم، تهران، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹.
۶. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۰۷، چاپ هفدهم، قم، انتشارات توحید، ۱۳۸۴ ش.
۷. سیدمحمدصادق موسوی گرمارودی، فرهنگ عاشورا، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۸. احمد صدر حاج سیدجوادی، دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۵۶، چاپ اول، تهران، نشر شهید سعید محبی، سال ۱۳۸۱.

دختر سه ساله حضرت سیدالشهدا حضرت رقیه(س) در سفر کربلا همراه اسرای اهل بیت(ع) بود در شام شبی پدر را در خواب می بیند و پس از بیدار شدن با گریه فراوان و بی تابی سراغ پدر را می گیرد. خبر به یزید رسید، دستور داد سر مطهر امام(ع) را نزد او بردند. رقیه با دیدن سر پدر بسیار ناراحت شد و درد و دل های خود را بازگو کرد تا این که بر اثر شدت ناراحتی از دنیا رفت.

۵. هفتم صفر، ۱۲۸. ق ولادت امام موسی کاظم(ع)

ابوالحسن موسی بن جعفر(ع) در «ابوا» منزلی میان کوفه و مدینه به روز یکشنبه هفتم صفر سال ۱۲۸ ق متولد شد. به جهت کثرت زهد و عبادتش به عبد صالح معروف و به جهت حلم و فرو خوردن خشم و نیز صبر و تحمل مشقات و آلام زمانه مشهور به کاظم گردید. آن حضرت به کنیه های ابو ابراهیم و ابو علی نیز معروف بوده است. مادر آن حضرت، حمیده کنیزی از اهل بربر (مغرب) یا از اهل اندلس (اسپانیا) بوده است.^۱

۶ - نهم صفر

۶ - ۲. نهم صفر ۳۷. ق، شهادت عمار بن یاسر

کنیه عمار ابوالقیطان است و پیامبر(ص) به او لقب «الطیب المطیب: پاکیزه پاک سرشت» داد.^۲ یاسر اهل یمن بود که بعدها به مکه آمد^۳ و در آن جا با سمیه ازدواج کرد و ثمره ازدواج آن دو تولد عمار بود که حدود ۴۴ سال قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد. عمار به همراه خانواده خود در سال پنجم بعثت نزد پیامبر(ص) آمده و مسلمان شدند.^۴ وقتی اسلام آوردن آن ها آشکار شد. تحت شکنجه مشرکان قرار گرفتند، به گونه ای که پدر و مادر عمار در سن پیری به شهادت رسیده و نام خود را به عنوان نخستین شهدای اسلام به ثبت رساندند.

عمار پس از رحلت پیامبر(ص) نسبت به جریان سقیفه اعتراض کرد و از اولین کسانی بود که با امام علی(ع) بیعت کرد. بینش و درایت او به حدی بود که امام علی(ع) بعد از این که به خلافت رسید وی را مشاور خود قرار داده و در امور مختلف با او مشورت می کرد.

او در زمان عمر بن خطاب به مدت دو سال حاکم کوفه شد و سپس بنا به دلایلی بر کنار گردید. هم چنین ایشان در جنگ های جمل و صفین به یاری امام شتافت و در جنگ صفین به شهادت رسید.^۵

۶-۱. نهم صفر ۳۹. ق، جنگ نهروان

برخی از یاران امام علی(ع) در جنگ صفین بعد از این که امام را وادار به پذیرش حکمیت کردند، از کار خود پشیمان شده و در راه بازگشت از کوفه لب به اعتراض گشوده و خواستار نقض عهدنامه شدند که با مخالفت امام رو به

۱. دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۶۲.

۲. سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۴۹۳.

۳. دایره المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۴۶۰.

۴. همان.

۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

رو شدند. لذا در برابر آن حضرت موضع گرفته و زبان به جسارت و تکفیر باز کرده و شعار «**لا حکم الا الله**» سر دادند.^۱

امام وقتی که شعار خوارج (مارقین)^۲ را شنید فرمود: «**کلمه حق یُرادُ بها باطل**»^۳؛ سخن حقی است که از آن اراده باطل شده است». این گروه کسانی هستند که پیروان امام را کافر و مرتد می دانستند و اگر به یکی از شیعیان علی(ع) دست می یافتند، وی را به بدترین وجهی می کشتند، به طوری که عبدالله بن خباب را با همسرش که باردار بود سر بریدند و شکم همسرش را شکافتند. مردم از این وضع به ستوه آمده و به علی(ع) که سرگرم تجهیز سپاه بود تا دوباره به نبرد با معاویه برود، گفتند شما اول شر این ها را دفع کنید سپس به جنگ دشمن اصلی برویم. امام موافقت کرد و در سرزمینی به نام نهروان^۴ به جنگ با آنان پرداخت و در این نبرد پیروز شد. از ویژگی های خوارج این بود که به ظواهر تمسک کرده و با «ضرب القرآن بعضه ببعض» برداشت های افراطی می کردند.^۵

این گروه پس از شکست در جنگ نهروان برای تداوم تفکر انحرافی خود همان گونه که امام علی(ع) پیش بینی کرده بودند،^۶ به تدریج مکتب خاصی تأسیس کردند و در مسائل اعتقادی اظهار نظر کردند.

۷. بیستم صفر ۶۱ق، اربعین حسینی

در این روز زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) و اقامه عزا برای آن حضرت از اختصاصات فرهنگ شیعه دانسته شده است؛ به گونه ای که برای هیچ یک از سایر معصومین(ع) حتی برای رسول خدا(ص) این مسئله (برگزاری مراسم اربعین) وجود نداشته است و نظر آنان نیز بر انحصار اربعین برای حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) بوده است.^۷ و زیارت اربعین را از نشانه های مؤمن معرفی کرده اند.

در اربعین امام حسین(ع) در سال ۶۱ ق دو اتفاق مهم رخ داد:

الف. هنگامی که خبر شهادت ابی عبدالله الحسین(ع) در بلاد اسلامی پخش شد. جابر انصاری و جماعتی از بنی هاشم از مدینه منوره راهی کربلا شدند و به عزاداری پرداختند.

ب. اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند.

در مسئله نخست اتفاق نظر وجود دارد، ولی در حادثه دوم قول مشهور آن است که اسیران پس از بازگشت از شام به مدینه وارد کربلا شده و با جابر قبر مطهر سید الشهدا(ع) را زیارت کردند.

۱. نهج البلاغه، (ترجمه محمد دشتی)، ص ۸۹.

۲. بیرون شدگان از دین و سنت را گویند این لقب درباره خوارج شهرت یافت.

۳. نهج البلاغه، (ترجمه محمد دشتی) خطبه ۴۰، ص ۹۳.

۴. نام دامنه رودخانه ای در نزدیکی کوفه، کنار صحرای حروراد.

۵. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۰۴.

۶. نهج البلاغه، (ترجمه محمد دشتی)، خطبه ۶۰، ص ۱۱۱.

۷. محمدحسین حسینی طهرانی، اربعین در فرهنگ شیعه، ص ۷۵، قم، انتشارات عرش اندیشه ۱۳۸۴ش.

مرحوم علامه قاضی طباطبائی کتاب مفصلی دربارهٔ اربعین امام نوشته است و با تتبع در کتب تاریخی و مقاتل سعی نموده ثابت نماید که اسرای اهل بیت(ع) در اربعین اول سال ۶۱ به کربلا آمده اند همان طور که خود در ابتدای کتاب به آن اذعان کرده است.^۱

برخی نیز می گویند اسیران آل محمد(ص) در اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کردند. آن چه مسلم است نخستین زیارت امام حسین(ع) توسط جابر بن عبدالله انصاری رخ داده و از آن پس ائمه اطهار از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین(ع) بهره می گرفتند و آن روز را (بیستم صفر) که نخستین زیارت در آن انجام شده به عنوان روزی که زیارت امام حسین(ع) در آن مستحب است اعلام نموده اند.^۲

به هر حال با توجه به منابع کهن اعتبار قول بازگشت اسرا از شام به مدینه، بیش از سخنی است که بازگشت اسرا از شام را به کربلا تعیین کرده است.^۳ به طوری که سید بن طاووس در تأیید این مطلب می گوید: «اگر گفته شود که خاندان امام حسین(ع) در روز اربعین شهادت سید الشهداء، در برگشت از شام به کربلا رسیدند، این گفتار نمی تواند با ایام دراز مدت اسارت آنان در کوفه و شام و طی راه طولانی رفت و برگشت مابین دو سرزمین در مدت کوتاه چهل روز سازگاری داشته باشد.»^۴

۲۸ صفر، ۵۰ق، شهادت امام حسن مجتبی(ع)

امام حسن(ع) در پانزدهم ماه مبارک رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد، آن حضرت هفت سال اول زندگی را در کنار پیامبر گذراند و پس از آن به مدت سی سال همراه پدرش علی(ع) بود، پس از شهادت پدر در سال چهل هجری به مدت ده سال امامت امت را به عهده گرفت.^۵

از مهم ترین حوادث سیاسی دوران آن بزرگ وار صلح با معاویه است؛ پس از بیعت مردم با امام حسن مجتبی(ع) نامه هایی میان آن حضرت و معاویه رد و بدل شد و سرانجام هر دو طرف تصمیم به جنگ گرفتند. پس از آغاز جنگ، عبیدالله بن عباس از فرماندهان ارشد سپاه امام فریب مال و منال معاویه را خورد و با دریافت مبلغ یک میلیون درهم به سپاه معاویه پیوست. با توجه به این مسئله و دلایلی که در تاریخ نقل شده است. امام مجتبی(ع) در تنگنا قرار گرفت و ناچار گردید با معاویه پیمان صلح بندد. این صلح نامه در تاریخ ۲۵ ربیع الاول سال ۴۱ هجری قمری امضا شد و عده ای از شخصیت های دو طرف به عنوان شهود، آن را امضا نمودند.^۶

در روزهای آخر عمر معاویه، او که می خواست برای یزید از امام بیعت بگیرد، وجود امام حسن(ع) را مانع بزرگی می دانست لذا با ترتیب دادن توطئه ای امام را به دست همسرش جعده دختر اشعث بن قیس که به او وعده همسری با پسرش یزید را داده بود، مسموم و به شهادت رساند.

۱. محمدعلی قاضی طباطبائی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۳ ش.
۲. رسول جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، ص ۲۱۸، چاپ اول، قم، نشر، مورخ ۱۳۸۶.
۳. همان.
۴. سیدتقی واردی، روز شمار تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۵۷، چاپ اول، قم، دارالتقلین، ۱۳۸۰ ش. به نقل از لهوف ابن طاووس، ص ۱۲۸.
۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۸۸.
۶. سیدمحمدصادق موسوی گرماردی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۰۳، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

پس از شهادت امام، عایشه به همراه مروان از دفن امام در نزدیک قبر پیامبر جلوگیری کرد.^۱ به طوری که جسد مطهرش را تیرباران نمودند و آن بزرگ وار را ناگزیر در بقیع دفن کردند.

در خواب رفت و آب طلب کرد و ناله کرد

طشت را به خون جگر، باغ لاله کرد

۸-۲. ۲۸ صفر ۱۱۱ ق، رحلت رسول گرامی اسلام(ص)

در هنگام بیماری پیامبر گرامی اسلام که منجر به وفات حضرت گردید، برخی از صحابه برای عیادت به منزل ایشان آمدند. پیامبر(ص) فرمود: کاغذ و قلمی برای من بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که گمراه نشوید، در این هنگام خلیفه دوم ممانعت کرده و گفت: کتاب خدا برای ما کافی است.^۲

به هر حال اختلاف حضار در مجلس باعث شد پیامبر(ص) از نوشتن نامه منصرف گردد ولی ناچار شد مقصود خود را با رفتن به مسجد و به طور شفاهی ابلاغ نماید. ایشان با آن حال بیماری به مسجد رفته و فرمود: من میان شما دو چیز گرانبها می گذارم یکی قرآن و دیگری همان عترت من است.^۳ پس از این جریان پیامبر(ص) بر اثر بیماری در نیمروز دوشنبه ۲۸ ماه صفر وفات یافت. امام علی(ع) بر او نماز خواند و جسد مطهرش را در همان حجره ای که در گذشته بود به خاک سپرد.^۴

۹. آخر صفر سال ۲۰۳ ق، شهادت امام رضا(ع)

امام رضا(ع) طی امامت بیست ساله خود، ده سال آن را با خلافت هارون الرشید و پنج سال با خلافت محمد امین و پنج سال آخر را معاصر با خلافت عبدالله مأمون بود.^۵ در دوره هارون الرشید امام به دلیل نگرانی هارون از عواقب قتل امام موسی کاظم(ع)، دوران آزادتری داشت. در دوران خلافت امین نیز به دلیل اختلافات داخلی و مناقشات امین و مأمون فرصت خوبی برای فعالیت های امام فراهم شده بود.^۶ اما هم زمان با خلافت مأمون امام به دستور مأمون از مدینه به مرو منتقل شد^۷ و بعد از مدتی با تهدید به مرگ ولایت عهدی بر ایشان تحمیل گردید. امام که می دانست هدف مأمون از پیشنهاد ولایت عهدی مشروعیت بخشیدن به خلافت خود، محدود کردن و کنترل فعالیت های امام و کاستن مقام و منزلت آن حضرت است، شرط نمود کسی را عزل نکند، رسم و سنتی را برنیندازد، وضع موجود را دگرگون نسازد و فقط از دور مشاور باشد.^۸ با پذیرش شرایط امام، روز دوشنبه هفتم ماه رمضان سال ۲۰۱ ق منشور ولایت عهدی به

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امام شیعه، ص ۱۶۸.

۲. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، چاپ دهم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۹۳.

۳. همان، ص ۴۹۹.

۴. همان، ص ۵۰۹.

۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۶۷، چاپ هفدهم، قم، انتشارات توحید، ۱۳۸۴ ش.

۶. همان.

۷. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۲۶، چاپ دهم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۶ ش.

۸. همان، ص ۴۴۰.

خط مأمون نوشته شد. اما مأمون که از آوردن امام به خراسان و تحمیل ولایت عهدی به اهداف خود نرسیده بود، با توطئه ای تصمیم به قتل آن حضرت گرفت.

اباصلت در پاسخ کسی که گفت: چگونه مأمون راضی به قتل امام رضا(ع) شد؟ گفت: مأمون بدین جهت امام رضا(ع) را به ولایت عهدی برگزید که به مردم نشان دهد آن حضرت رغبت به دنیا دارد تا از چشم مردم بیفتد اما وقتی عالمان و متکلمان مذاهب مختلف را دعوت کرد تا به وسیله آنان امام را از نظر علمی محکوم نماید و از این رهگذر نقص آن حضرت میان عامه مردم ثابت شود، ولی امام با هیچ عالم یهودی و نصرانی و... روبرو نمی شد جز آن که بر او برتری می یافت و مردم می گفتند آن حضرت شایسته تر از مأمون برای تصدی خلافت است... بدین ترتیب بود که مأمون دست به مسموم ساختن امام زد و او را به شهادت رساند.^۱

۱. همان، ص ۴۴۳؛ به نقل از عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۴۱.